

تزلزل در شالوده دین

■ لس آنجلس تایمز

• ترجمه علی آرش



می خوانند، فردی که اندیشه اش درباره دین و دموکراسی می تواند شکاف میان جوامع مسلمان و عالم خارج را از میان بردارد.

ناصر هادیان، متخصص علوم سیاسی در دانشگاه تهران، می گوید: «سروش سیزده قرن تفکر را به چالش فرا خوانده است. او اعلام داشته که فهم دینی نسبی است. به عبارت دیگر، هیچ یک از تفاسیر واجد اعتبار مطلق نیست. تفسیر دین در طول زمان و در بینه مکان ثابت نمی ماند. چه کسی می تواند بگوید مقصود خدا چه بوده است؟ این سخن باب انواع اندیشه های تازه را، هم در عرصه سیاست و هم دیانت می کشاید.»

سروش و معاصران او نظیر راشد الغنوشی در تونس، حسن حنفی در مصر و محمد ارکون در الجزایر - در حال شکل بخشیدن به جریانی هستند که ممکن است به چیزی معادل نهضت اصلاح دینی در مسیحیت مبدل شود: دوره ای که در آن اعتقادات، اعمال و مناسک سنتی مورد تردید قرار می گیرند، و این جریان سرانجام به انقلابی فراگیر منتهی می شود.

هم اکنون نیز نفوذ اندیشه سروش بسیار فراتر از قلمرو دیانت گسترش یافته است. نوشته های او بحث جدیدی را در خصوص تحول سیاسی - نه فقط در ایران که در کل خاورمیانه - دامن زده است. در این منطقه از سیاره زمین که تاکنون بیش از سایر مناطق در برابر تغییر و تحول مقاومت کرده است، کمتر اندیشه ای به اندازه اعتقاد به پیوند میان اسلام و دموکراسی برای آینده اهمیت دارد. اگرچه تاکنون حکومت ایران در مقابل نوشته ها و آموزه های سروش به طور رسمی واکنش نشان نداده است، اما این تصور به طور وسیعی رواج دارد که روحانیون و مقامات عالی رتبه از سخنان او احساس خطر می کنند.

سروش با وجود تأیید و تشویق علاقمندان مایل نیست، و حتی اکراه دارد، که کانون توجه رسانه ها قرار گیرد. در سال ۱۹۹۱ مجله ای به نام «کیان» به معنای «سرچشمه» یا «روان» که هر دو ماه یک بار منتشر می شود، تأسیس شد تا مقدماتاً به انتشار سخنان او و مباحثه ای که به واسطه این اندیشه ها درگرفته است بپردازد. این نشریه اکنون دارای مشترکینی در آسیا، اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی است.

سروش چنان زاهدی گوشه نشین و منزوی است. اطاقهای ساکت و آرام این مؤسسه که سروش سرپرست هیات علمی آن است، در متن ازدحام و غوغای عبور و مرور و بوق اتومبیلها در مرکز شهر تهران، همچون عبادتگاهی جلوه می کند. در دفتر کار او، موسیقی ملایمی در حاشیه به گوش می رسد. او سخنانش را این گونه آغاز می کند: «اسلام و

• اشاره

آنچه در پی می آید، مقاله ای است که در یکی از شماره های اخیر ماهنامه لس آنجلس تایمز منتشر شده است؛ نویسنده این مقاله با نگاهی جانبدارانه در خصوص دکتر عبدالکریم سروش سخن گفته و او را با مارتین لوتر (بانی پروتستانتیسم مسیحی) مقایسه کرده و مروج دموکراسی و نسبییت انگاری دانسته است. درج این مقاله از جهت افشاکاری در خصوص ماهیت آراء دکتر سروش، می تواند روشنگر باشد.

عبدالکریم سروش پشت میزگرد بزرگی از چوب بلوط، در دفتر کار خود در مؤسسه پژوهش علوم انسانی، با آن چهره متواضع، جبهه کوچک، عینک، و صدای نرم و ملایم، تقریباً ظریف و شکننده به نظر می رسد. اما این مرد آرام و نجیب شالوده دینی را که یک میلیارد نفر - یعنی تقریباً یک پنجم جمعیت روی زمین - پیرو دارد، متزلزل ساخته است. امروز، هم طرفداران او و هم منتقدانش، او را مارتین لوتر اسلام

دموکراسی نه فقط با هم سازگارند بلکه پیوند آنها با یکدیگر اجتناب ناپذیر است. در جامعه اسلامی، هر یک از این دو بدون دیگری کامل نیست.»

سروش که سالهای آخر دهه چهل زندگی اش را سپری می کند، شمرده و به زبان انگلیسی صحبت می کند. مدارک مربوط به تحصیلات آکادمیک سروش فهرست بلندی را تشکیل می دهد. از جمله، او دوره فوق لیسانس فلسفه را در دانشگاه لندن گذرانده است. می گوید: «من دو اصل یا رکن را عرضه داشته ام. رکن اول این است: باید آزاد بود تا بتوان مؤمنی حقیقی شد. ایمان آوردن تحت فشار یا اجبار، ایمان واقعی نخواهد بود. و این آزادی مبنای دموکراسی است.»

اصل دوم در دموکراسی اسلامی این است که تفسیر متون دینی دائماً تحول می پذیرد. عصری که شما در آن بسر می برید نیز بر این تفاسیر تاثیر می نهد. بنابراین، هرگز نمی توانید تفسیر ثابتی ارائه دهید.» همه محق و مجازند که تفسیری از دین داشته باشند. اگرچه برخی تفاسیر نسبت به بقیه عالمانه ترند، با این همه هیچ یک از آنها - خواه از آن یک روحانی باشد و خواه متعلق به فردی عامی - خود به خود و قهراً معتبرتر از دیگری نیست. مفاهیم و نتایج ضمنی عملی سخنان سروش - اگرچه خود او از تشریح صریح آنها امتناع می ورزد - برای جمهوری اسلامی ایران، و نیز سایر جوامع اسلامی، ژرف و بنیادی است. خود او می گوید: «اگر وارد این گونه امور سیاسی نشوم، بیشتر می توانم مفید واقع شوم. بگذارید دیگران مفاهیم تلویحی و نتایج سخنانم را استخراج کنند.»

برابری و مساوات و صاحب اختیار دانستن مؤمنان عادی از جمله عمده ترین مفاهیم و تبعات اندیشه سروش است. استدلال او همچون نهضت اصلاح دینی (رفرماسیون) بر حقوق افراد در نسبت با حکومت و خداوند صحه می گذارد. مانند نظام دموکراسی در همه جای عالم، اعتقادات و اراده اکثریت در قاعده اجتماع است که حکومت مطلوب اسلامی را معین می کند. چنین حکومتی نمی تواند از بالا یا توسط گروهی نخبه، نظیر روحانیت، بر مردم تحمیل شود.

استدلالهای سروش که پیوسته تفکر رایج در نهضت اصلاح دینی را که طی آن پروتستانها از کلیسای کاتولیک رم جدا شدند تداعی می کند، در واقع وظایف و قوای کلیسا و دولت را از هم تفکیک می کند. این امر برای تنها دین توحیدی عمده در عالم که یک رشته قوانین برای اداره جامعه را علاوه بر مجموعه ای از باورهای مذهبی مقرر داشته است، تحولی شکفت آور خواهد بود. اما این تحول نام و تمام نخواهد بود.

همچون لوتر، متفکر دینی آلمانی در قرن شانزدهم که پایه گذار نهضت اصلاح دینی بود، سروش ارزشهای دینی را رها نمی کند، بلکه علیه اندیشه متحجر و نخبه گرایی بحث و استدلال می کند. او می گوید اسلام دینی است که همچنان می تواند رشد یافته و تکامل یابد. او به شریعت به مثابه مبنایی برای وضع قوانین جدید معتقد است. اما شریعت را بیش از آنچه روحانیت سنتی می پندارند انعطاف پذیر می داند.

سروش از دید گروه روزافزون بیرون خویش - از طلبه های جوان گرفته تا مخالفان رژیم، از روشنفکران گرفته تا تکنوکراتهای حکومتی - مظهر امید به آشتی و سازش، هم در محدوده اسلام و هم میان اسلام و عالم خارج است.

محمدرضا بونری، تاجری که نزدیک به یک دهه بیرو سروش بوده است می گوید: «او در جستجوی راههایی است تا برای مسلمانان تحصیل کرده ای که با اسلام سنتی مشکلاتی داشته اند، اسلام و مدرنیسم را با یکدیگر سازش دهد. او نشان می دهد چگونه فهم و ادراک روز به روز و سال به سال تغییر می کند. این تنها راه نجات اسلام در عالم جدید است.»

مقالات سروش در کیهان اکنون محور بحثهای فکری ستیزه جویانه ای است. یکی از مساجد محلی، عصرهای پنجشنبه وقتی سروش در آنجا سخنرانی می کند از جمعیت لبریز می شود. در دانشکده الهیات دانشگاه تهران که او تاریخ و فلسفه علم تدریس می کند، دانشجویان صرفاً برای اینکه او را ببینند در راهروها منتظر می مانند.

اما حرکتی که سروش مظهر آن است احتمالاً در مرحله برخورد و تقابل با روحانیت قدرتمند ایران واقع شده است. هادی سماتی، متخصص آنالیز در مرکز پژوهش علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه در تهران، می گوید: «در یک سوی منازعه اصلی کسانی قرار دارند که اندیشه یک دین برخوردار از وجوه و ابعاد متعدد را که در طول زمان و در پهنه مکان تحول می یابد می پذیرند و در سوی دیگر، آنان که می گویند اسلام ذاتی واحد دارد که نمی توان در آن تحولی به وجود آورد، و لذا با دموکراسی مغایر است.»

سروش ترجیح می دهد که با لوتر مقایسه نشود. او می گوید: «من تنها یک نویسنده و اندیشمند هستم و در نظر ندارم به کارهایی که لوتر انجام داد بپردازم.» مکتب کرده و می افزاید: «هرچند شاید لوتر در دوران خود نمی دانست چه می کند. بعد، با خنده ای بی تکلف چنین می گوید: «اما من کاملاً واقفم که اگر این افکار جدی تلقی شوند می توانند در مسیر ایجاد تحولی اساسی در نحوه تکرش ما نسبت به دین مفید و مؤثر واقع شوند.»

■ استدلالهای

سروش پیوسته

تفکر رایج

در نهضت

پروتستانتیسم

مسیحی را تداعی

می کند.

■ در سال ۱۹۹۱

مجله ای به نام

«کیان» به معنای

«سرچشمه» یا

«روان» که

هر دو ماه یکبار

منتشر می شود،

تأسیس شد تا

به انتشار سخنان

او (سروش)

بپردازد.